

## نقد «زیبایی‌شناسی منفی» در رمان آذر، شهدخت، پرویز و دیگران

الناز خجسته زنوزی<sup>۱\*</sup>

محبوبه مباشری<sup>۲</sup>

### چکیده

مبحث «زیبایی‌شناسی انتقادی» مکتب فرانکفورت، نگره‌های انتقادی هنر را بررسی می‌کند تا آشکار سازد که بروز مفهوم آزادی در جامعه سرمایه‌داری با موانع متعددی روبه‌روست؛ موانعی که در اشکال مختلف اقتصاد، سیاست، ایدئولوژی، هنر، فرهنگ و رسانه‌های جمعی وجود دارد و طی فرایندی سازمان‌یافته، موجب ظهور جامعه‌ای مصرف‌زده می‌شود. در این میان، «زیبایی‌شناسی منفی» به تحلیل مظاهر مصرفی غرب می‌پردازد تا ابعاد خردستیز یک جامعه «تک‌ساحتی» را به پرسش بکشد. سرانجام، پدیده‌ای به نام «صنعت فرهنگ» از دل این اندیشه‌ها سر برمی‌آورد و برای فریفتن افراد از انواع رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغاتی و مصرفی استفاده می‌کند. بدین ترتیب، هوش و حواس مصرف‌کننده در تصرف این ابزارها قرار گرفته و هرگونه اراده و آگاهی از وی سلب می‌شود. رمان آذر، شهدخت، پرویز و دیگران از مرجان شیرمحمدی، تصویری از همین جهان مصرفی است که انسان‌ها را به رقابت در مصرف وامی‌دارد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تبیین می‌کند که شی‌ء‌وارگی و مصرف‌زدگی، شخصیت‌های این اثر را به سوژه‌هایی در جهانی مملو از ابژه‌های مصرفی تبدیل کرده و نفوذ «صنعت فرهنگ» در جهان سلطه، موجب شده‌است شکافی عمیق بین فرهنگ خودی و غیرخودی ایجاد شود. از این رو، با بهره‌گیری از مفاهیمی همچون مصرف‌زدگی، انباشتگی و وفور، می‌توان به نقد ابعاد «زیبایی‌شناسی منفی» در هویت کاذب شخصیت‌های داستان پرداخت.

**واژگان کلیدی:** زیبایی‌شناسی منفی، صنعت فرهنگ، آدورنو، مارکوزه، آذر شهدخت پرویز و دیگران

\* ekhojaste92@yahoo.com  
mobasheri2016@gmail.com

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)  
۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.